بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار استادان و اعضای هیئت علمی دانشگاه - 13 /مهر/ 1385

بسم اللّه الرّحمن الرّحیم

برادران و خواهران عزیز، استادان محترم و اعضای هیئتهای علمی دانشگاهها، خیلی خوش آمدید.

مقصود اصلی از این جلسه - که چند سالی است هر سال ما این را داریم - دو چیز است ؛ اگر چه مقاصد دیگری هم ممکن است در کنار این دو چیز بر این محفل دوستانه و صمیمی مترتّب بشود. اول از آن دو چیز، اعلام احترام به مقام استاد و مقام علمی شخصیتهای علمی کشور است. ما خواستیم با این نشست، با این فرصت نسبتاً وسیع چند ساعته ای که هر سال اینجا گذاشته میشود و میدانی که اساتید محترم پیدا میکنند تا نظرات خودشان را در یك تریبون عمومی و سراسری - که پخش خواهد شد - بیان کنند، تکریم خودمان را نسبت به اساتید محترم اعلام بکنیم و نشان دهیم. و این به نظر ما، یك هدف مهمی است. اگر ما از عالِم تکریم کردیم، علم تکریم خواهد شد و اگر علم تکریم شد، رشد و رواج و گسترش خواهد یافت ؛ و ما برای آینده ی کشورمان، به این احتیاج داریم.

هدف دوم این است که در یك جلسه ی دوستانه و صمیمی، دور از رسمیتهای سمیناری و تقیّداتی که معمولاً وجود دارد، جمعی از زبدگان و فرزانگان و مطلعان امور دانشگاه و علم کشور، عمده ترین مسائل دانشگاهها را اینجا مطرح کنند ؛ البته مسائل مربوط به جنبه های علمی دانشگاه و آن چیزهایی که به اساتید، بیشتر مرتبط می شود، تا فضای این جلسه و فضای ذهن مسئولان علمی کشور و به تبع آن، فضای عمومی کشور با مهمترین مسائل دانشگاهها و نیازهای آنها و آینده نگریهایی که در این زمینه میشود کرد، آشنا بشود. ما هر سال که این جلسه را داشته ایم، من خودم شخصاً از بیانات دوستانی که اینجا صحبت کردند، بهره مند شدم و استفاده کردم ؛ نکات خوبی برای من روشن شده و به دنبال آن، اقدامات مناسبی و خوبی هم صورت گرفته است. هیچ شك نکنید که ما در این ده، دوازده سال اخیر، یك حرکت نوی را در زمینه ی پیشرفت علم، رشد علم، رشد تحقیق و تنوّع و نوآوریهای گوناگون آن، داریم در کشورمان تجربه میکنیم ؛ اگرچه از اول انقلاب این حرکت آغاز شده، اما در این سالهای اخیر، رشد بیشتر و بهتری داشته است ؛ لکن اینها هنوز گامهای بسیار اوّلی و ابتدایی است. لذا ما همچنان به نظرات، پیشنهادها و نکته بینی های شما برای پیشرفت علم در کشور نیاز داریم. در این جلسه، بخشی از این نیاز ان شاءاللّه برآورده خواهد شد.

حالا من آماده هستم. هدف، اظهارات من نیست ؛ من در این جلسه مایلم بیشتر شنونده باشم. حالا اگر وقتی در آخر باقی ماند، چند جمله ای هم عرض خواهم کرد ؛ اما عمده ترجیح میدهم که من در این جلسه بشنوم.

* * *

مطالبی که شنیدیم به نظر من مطالب مفید و متنوّعی بود ؛ ممکن است بعضی از دوستان، بخشی از این مطالب را تصدیق نکنند، لکن طرح این موضوعات در این جلسه یقیناً مفید بود ؛ ذهن ما و ذهن مسئولان و دست اندرکاران را باز میکند و بیش از پیش به جوانب و آفاق مختلف در زمینه ی مسائل دانشگاهی متوجه میکند. آنچه که من در این مجال کوتاه عرض میکنم، دو، سه مطلب و نکته ی کوتاه است:

یکی این است که ما وقتی میخواهیم درباره ی نیازهای کنونی جامعه ی دانشگاهی و محیط دانشگاهی و علم حرف

بزنیم، از دو دیدگاه، با دو زبان میتوانیم حرف بزنیم ؛ یك زبان، زبان تشویق کننده و به حرکت درآورنده، و یك زبان، زبان مأیوس کننده و دلسرد کننده است. من خواهشم این است که اساتید محترم، مسئولان محترم در همه جا - سر کلاس، در مجامع علمی و در بیان گزارشها - آن زبان اول را به کار بگیرند، نه زبان دوم را. ما سرعت پیشرفتمان در این چند سال اخیر - طبق آمارهایی که بنده در اختیار دارم و به من ارائه داده اند - در دنیا، درجه ی اول است. من اخیراً مراجعه نکرده ام ؛ اما این آمار را حدود یك ماه و نیم پیش دیده ام ؛ آمار حساب شده ای است و دقیق و درست است. سرعت پیشرفت علمی کشور ما در سطح دنیا در درجه ی اول است، نه در سطح منطقه. لکن آنی که بالفعل دست ما را گرفته و آن نقطه ای که بالفعل در آن قرار داریم، چندان راضی کننده نیست. این هر دو واقعیت، باید در کنار هم دیده بشود. هر دو درست است ؛ هم اینکه ما الان کمبودهای زیادی داریم، جایگاهی که ایستاده ایم، جایگاهی نیست که ما را به عنوان یك عنصر ایرانی و مسلمان، و دارای نگاههای بلند به افقهای دور راضی بکند و هم اینکه در عین حال حرکتی که ما کرده ایم، این حرکت، حرکت بسیار خوب و پُرشتابی بوده است ؛ این شتاب را باید نگذاریم کم بشود. البته باید بیشترش هم بکنیم.

من حدود یك سال و نیم پیش در یك مجمع علمی - شبیه همین مجموعه ی شما، که جوانها و دانشجوها و زبده ها و اینها بودند - گفتم من انتظارم این است که ما پنجاه سال دیگر (نمی گویم ده سال، پانزده سال دیگر) در دنیا و در سطح عالم، حرف اول علمی را بزنیم ؛ یعنی مرزهای علم را ما تعیین کنیم. کار به جایی برسد که زبان ما - که زبان فارسی است - در دنیا زبان علم بشود. این، آن افقی است که جلو چشم من است. برای اینکه به این نقطه برسیم، اولاً باید باور کنیم که این میشود. اگر شما که استادید، آن آقا که دانشجوست و آن شخص سومی که مدیر و در رأس تشکیلات است، باور نداشته باشد که این کار عملی است، بدانید قطعاً نخواهیم رسید. باید باور کنیم.

من حرفم این است: من میگویم زمینه های این باور موجود است. اولاً استعداد ما ایرانیها در زمینه های علمی، در دنیا اثبات شده است ؛ از طرق مختلف، این معنا تحقیق و بررسی شده است و از نظر من، قطعی است. در پیشرفته ترین دانشگاههای دنیا، عنصر ایرانی از متوسط استعدادهایی که در آن دانشگاه بوده، سطحش بالاتر است ؛ یعنی متوسط استعدادِ ایرانی از متوسط استعداد جهانی، سطحش بالاتر است. هم زمینه های طبیعی کشور، این را نشان میدهد. ما در جای خوبی از دنیا قرار داریم، از جمعیت خوبی برخورداریم، با سطح جغرافیایی خوبی قرار داریم و با این نسبتی که ما از لحاظ جمعیت و سطح ارضیِ جغرافیایی نسبت به کل بشریت و کل عالم داریم، امکاناتمان بالاست و کشور فقیری نیستیم. من یك وقتی آمار اینها را در همین سخنرانیهای عمومی گفته ام و پخش شده، نمیخواهم تکرار کنم. ما تقریباً یك صدمِ جمعیت دنیا را داریم و یك صدمِ وسعت ارضیِ کره ی زمین را هم داریم ؛ آن وقت ذخایر ما در زمینه های مهمترین عناصر تشکیل دهنده و پیش برنده ی تمدن کنونی دنیا - یعنی فولاد، مس و چند عنصر دیگر - بیش از یك درصد است ؛ سه درصد، چهار درصد، پنج درصد ؛ به نفت یا گاز که میرسیم، ناگهان رشد جهشی ای هم مشاهده میکنیم. استعداد انسانی هست، استعداد طبیعی هست و تجربه ی کارکرد هم هست. ما نگاه میکنیم هر جایی که تلاش کردیم، زحمت کشیدیم و یك توجهی نشان دادیم، پیش رفتیم. خوب، حالا آقای دکتر مرندی رنجها و دردها و غصه ها و نگرانیهای سه، چهار سال اولِ انقلاب در زمینه ی کمبود پزشك، کمبود استاد دانشگاه و کمبود فضای آموزشی دانشگاه و آموزش و پرورش را بیان کردند ؛ یك داستانی است، که آن روزها از مشاهده ی این کمبودها، چه بر ماها میگذشت! برای جراحی قلب، هفت، هشت سال در این کشور وقت داده میشد. یك نفر میخواست مثلاً برود قلبش را عمل جراحی کند، دریچه اش را عوض کند، یا عمل پیوند رگ و غیره انجام دهد، بایستی هشت سال منتظر میماند! این مال بیست سال پیش است. خیلیها هم میمردند. ما امروز وقتی به آن گذشته نگاه میکنیم، می بینیم حرکت کشور در این زمینه ها، یك حرکت غیر قابل تصوری است ؛ حرکت، خیلی خوب بوده. کار کردیم، نتیجه اش را هم داریم مشاهده میکنیم. همین رویان (1) - که آقای دکتر گورانی گزارش دادند - و این ماجرای سلولهای بنیادی که اینها با امکانات کم توانستند به آن دست پیدا کنند و پیشرفتی که در این زمینه

کرده اند و در این سمیناری که دو سال قبل در اینجا تشکیل شد و دانشمندان دنیا، آمدند و با آنها مصاحبه شد و گواهی و اظهار شگفتی کردند ؛ اینها یك داستانهایی است که واقعاً جا دارد به عنوان مایه های افتخار، جلو چشم ما باشد. ما شخصیتهایی از قبیل مرحوم دکتر کاظمی آشتیانی - که حالا من مقیّدم از این جوان پاکباخته ی مؤمنِ فاضلِ کارآمد، و مدیر حقیقتاً انقلابی و مؤمن اسم بیاورم - داریم و الان هم در کشور، فراوان هستند و در بخشهای مختلف دارند کار میکنند ؛ و کارهای خوبی هم انجام گرفته است. وضع دانشگاههای ما امروز با بیست، بیست وپنج سال قبل قابل مقایسه نیست ؛ پیشرفتهایمان خیلی خوب است.

البته من یك اشاره ای بکنم به آن آمارهایی که گفتیم تحلیل لازم دارد و آنچه که آقای دکتر ملك زاده گفتند. ببینید این معیارها و ملاکها، و عناصر نمره دار برای اینکه یك دانشگاهی نمره بیاورد یا نیاورد، همه اش عناصر علمی نیست ؛ گاهی یك عناصری است که شما اصلاً قبولش ندارید ؛ من نمیخواهم حالا تصریح کنم. بنده این عناصر تشکیل دهنده و نمره آور را برای اینکه یك دانشگاه در آمارهایی جهانی نمره بیاورد، دیدم ؛ بعضی از اینها را شما قبول ندارید. اگر زمان وزارت آقای دکتر ملك زاده یا آقای دکتر مرندی یا آقای دکتر فاضل یا دیگران بنا بود که این معیارها اقدام بشود، خودِ این وزرا حاضر نبودند با فرهنگ اسلامی و ایرانی ما قبول کنند. یك مقداریش هم البته مسائل علمی است. شکی نیست که ما در آغاز کاریم ؛ من اول هم گفتم، قدمهای اولیم. باید این قدمها را پی درپی برداریم، باید پیش برویم و باید باور کنیم که «میتوانیم». من حرفم این است. شما با این باور و با این نگاهِ همراه با اذعان و قبول قابلیتِ این جوانهای مؤمن ما و پیشرفتی که کرده اند، کمبودها را یکی یکی بشمرید ؛ هیچ اشکالی ندارد. این ما را تشویق خواهد کرد به این که این کمبودها را کم کنیم و روزبه روز پیش برویم. جوانی هم که از شما این را میشنود، همچنین تشویق خواهد شد به اینکه پیش برود و شوق و امید پیشرفت در دل او بیشتر خواهد شد ؛ برخلاف اینکه ما نگاهمان، نگاه منفی باشد، نگاه مأیوس کننده باشد، که این را من قبول ندارم.

نکته ی دوم و به نظر من نکته ی اساسی ؛ شما آقایان و خانمهایی که اینجا تشریف دارید، گزیده و نمونه ای هستید از اساتید کشور. آنچه که اساتید ما برای پیشرفت علم، وجهه ی همت خودشان باید قرار بدهند، اولاً «شجاعت علمی» در همه ی بخشهاست ؛ هم در بخشهای علوم انسانی، هم در بخشهای علوم تجربی، هم در بخشهای نزدیك به عمل و فناوری، و هم در بخشهای علوم پایه. نظریه را دنبال کنند، تولید کنند، خلق کنند، ابداع کنند، نقد کنند ؛ چشم بسته و تقلیدی نباید کار را دنبال کرد. مشکل ما در گذشته همیشه این بوده که در زمینه های مختلف - در همه ی زمینه های علمی - چشم بسته و تقلیدی نگاه کردیم که ببینیم غربیها چه میگویند. درست است که غربیها حداقل دو قرن، دو قرن و نیم از ما در حرکت علمی جلوتر بودند و به مناطق خیلی عجیب و باورنکردنی ای هم رسیدند ؛ در این تردیدی نیست. ما هم عقب ماندیم ؛ با همه ی افتخارات گذشته مان، به خاطر تنبلیها و سوءسیاستها ؛ در این تردیدی نیست. اما من قبلاً هم گفته ام، ما از شاگردی کردنِ پیش کسی که بلد است، ننگمان نمیآید ؛ ولی میگوییم نباید فکر کنیم که ما همیشه باید شاگرد بمانیم. معنای این نگاه تقلیدی، این است: ما همیشه باید شاگرد بمانیم. نوآوری لازم است. اعتماد به نفسِ شخصی و اعتماد به نفسِ ملی در اساتید ما، یك ضرورت است. اولاً، استاد ما شخصاً اعتماد به نفس داشته باشد و کار علمی بکند. به آن کار علمی اش تکیه بکند و افتخار کند. ثانیاً، اعتماد به نفسِ ملی داشته باشد. به قابلیت و تواناییهای این ملت اعتماد داشته باشد. اگر این معنا در یك استاد وجود داشته باشد، این سرریز خواهد شد در محیط درس، در کلاس درس، در انتقال به دانشجو و تأثیر تربیتی خودش را خواهد گذاشت. و ثالثاً پرکاری ؛ ما یك مقداری از ناحیه ی کم کاریهایمان و تنبلیهایمان - در بخشها و سطوح مختلف - ضربه خوردیم. باید کار کرد و از کار نباید خسته شد. بنابراین نوآوری و ابتکار، شجاعت علمی، اعتماد به نفس شخصی و ملی و کار متراکم و انبوه، علاج کار پیشرفت علمی ماست. مخاطب این هم اساتید دانشگاهند.

نکته ی سوم این است که - این شاید دنباله ی آن مطلب قبلی باشد - بنده از چند سال قبل از این، مسئله ی تولید

علم و نهضت علم و خطشکنی علمی را مطرح و درخواست کردم. امروز خوشبختانه این به یك خواست عمومی در محیطهای دانشجویی و علمی تبدیل شده است. می بینیم بارها از زبان دانشجوها و اساتید تکرار میشود. ما هم با پیشرفتهایی که در زمینه های مختلف علمی و فناوری داشته ایم - که خوب، خیلی هایش هم آشکار است و در تبلیغات آمده ؛ مثل مسائل مربوط به انرژی هسته ای و غیره ؛ خیلی هایش هم نیامده ؛ یعنی واقعاً کارهای نیمه کاره ای است که در جهت کاملتر شدن و کامل شدن هست، و ما در کشور زیاد داریم - به این چیزها افتخار میکنیم. و همین طوری که گفتم، نگاهمان نگاهِ امیدوارانه است و به عنوان اینکه «ما میتوانیم».

اما یك نکته را باید بگوییم: خطشکنی علمی و عبور از مرزهای علم همچنان در کشور ما، جدی نشده است. ما میخواهیم علما و دانشمندان ما، راههای میانبر را پیدا کنند ؛ راههای کشف نشده را از این بینهایت مسیرهایی که در عالم طبیعت وجود دارد و بشر باید یکی پس از دیگری کشف بکند. ما میخواهیم راههای کشف نشده را کشف بکنیم. اینی که میتوانیم فلان ابزار فناوری را، فرض کنید سانتریفیوژرا برای کار هسته ای، که دیگران قبل از ما، سالها پیش، پیدا کردند و تولید کردند و استفاده و بهره برداری کردند، خودمان بسازیم، البته کار بزرگی است که بدون کمك دیگران توانسته ایم انجام بدهیم و نسلهای جدید آن را تولید کنیم، در این شکی نیست ؛ اما این یك کار بکر نیست ؛ این کار انجام شده و راه رفته ای است که دیگران رفته اند و ما هم که بنا بوده تا پنجاه سال دیگر، تا صد سال دیگر محروم بمانیم - بنا نبود این فناوری و این دانش به کشوری مثل کشور ما و ملت ما داده بشود - جوانها، دانشمندان و پژوهشگران ما توانسته اند با پیگیری و تلاش خودشان به دست آورند و این چیز باارزشی است ؛ اما من میگویم در زمینه ی علم و فناوری، آن کاری را که ذهن بشر به آن دست نیافته است، آن را وجهه ی همت قرار بدهید و دنبال بکنید ؛ این طوری است که ما خط مقدم علم را شکسته ایم و یك قدم به جلو برداشته ایم. آن وقت میتوانیم این را ادعا بکنیم ؛ و این ممکن است. البته برداشتن قدمهای جدید، مستلزم پیمودن راههای رفته شده و طی شده ی به وسیله ی دیگران است ؛ در این شکی نیست. اما هیچ وقت نباید ذهن را از کاوش و جستجو برای یافتن راههای میانبر محروم و ممنوع کرد. ما این را در کشور لازم داریم.

یك نکته که در بیانات بعضی از دوستان هم بود - بیان هم کردند و من هم اینجا یادداشت کرده بودم که رویش تکیه بکنم - این است که ما باید تحقیق را، که حقاً و بدون شك باید پژوهش و تحقیق مورد توجه و اهتمام بیشتری قرار بگیرد، در کشور اولاً با توجه به نیازهای آن، هدفدار کنیم ؛ یعنی ببینیم واقعاً کشور به چه احتیاج دارد و پژوهشها را در جهت نیازهای کشور قرار بدهیم، که در خلال بیانات بعضی از دوستان هم روی آن تکیه شده بود و کاملاً هم درست است. و این لازمه اش این است که ما بانك اطلاعات و مرکزی داشته باشیم. همه بتوانند بدانند چه لازم است، چه انجام شده است و چه لازم است برای تکمیل یك پژوهش، تا بتواند این قطعات گوناگون در کنار هم جمع بشود. این هم یك نکته ی ذیل همین نکته است - که باز بعضی از دوستان تذکر دادند و من هم یادداشت کردم - که ما باید نظام اعطای امتیازات علمی را در دانشگاه تطبیق کنیم با این چیزها. والا صرف اینکه مثلاً یك مقاله در یك مجله ی آ.اس.آی منتشر کرده یا چه تعداد مقاله منتشر کرده، کافی نیست ؛ یعنی محقق و پژوهشگر ما نباید برای کسب رتبه ی علمی به دنبال این باشد که مقاله ای را تهیه و تولید کند که برای کشور هیچ فایده ای ندارد و هیچ خلأیی از خلأهای پژوهشی کشور را پر نمیکند. بله، آن کسی که آن را در مجله چاپ میکند، ممکن است برایش مفید باشد یا برای کس دیگری و جای دیگری مفید باشد ؛ اما برای کشور مفید نیست. این کار را می کند صرفاً برای اینکه رتبه ی علمی به دست آورد. این نظام باید به هم بخورد ؛ این درست نیست. نظام اعطای امتیازات علمی و آیین نامه هایی که در این زمینه هست، باید تطبیق کند با همین مطلب که کدام تحقیق منطبق است با نیاز کشور، و کدام تحقیق، تکمیل کننده ی یك زنجیره ی تحقیق و پژوهش است. ما گاهی در زمینه هایی یك زنجیره ای داریم ؛ حلقه های وسطِ این زنجیره مفقود است. تأمین این حلقه ها خیلی اهمیت خواهد داشت. پس هدفدار کردن تحقیق علمی با توجه به نیازهای کشور و نیازهای صنعت و بقیه ی بخشهای حیاتی کشور است.

یکی هم مسئله ی تربیت دینی دانشجویان است. امروز خوشبختانه در سطح دانشگاههای کشور، ما اساتید مؤمن، مخلص، دارای باورهای عمیق دینی و دارای حس اعتماد به نفس ملی، فراوان داریم. اینها تربیت شده های دوران انقلاب هستند که خوشبختانه در سطح دانشگاه، در همه جا، با پایه های والای علمی مشغول خدمت هستند ؛ که این مایه ی خرسندی و افتخار است.

تربیت دینی دانشجویان، بایستی یکی از اهداف مجموعه ی اساتید دانشگاهی کشور باشد. دانشجو را باید هم متدین و هم دارای باورهای ملی - همان اعتماد به نفس ملی که عرض کردیم - بار آورد. خلاف این را من گاهی از بعضی از دانشگاهها و بعضی از کلاسهای درس میشنوم. استادی میآید طوری درباره ی کشور حرف میزند که دانشجو از اینکه ایرانی است، بیزار میشود. این بی انصافی است ؛ این برخلاف مصلحت این جوان و برخلاف مصلحت این نسل عمل کردن است. باید جوان را به هویت ملی و باورهای ملی خودش پایبند کرد ؛ طوری که افتخار کند که ایرانی است و افتخار هم دارد. واقعاً افتخار دارد ایرانی بودن ؛ آن هم ایرانی که امروز به خاطر مواضع سیاسی اش و مواضع بین المللی اش در دنیای اسلام، عزیزترین است. اگر شما امروز در همه جای دنیای اسلام بروید، نظام جمهوری اسلامی و ملت ایران، عزیزترین ملت در چشم ملتها هستند ؛ از شرق دنیای اسلام بگیرید تا غرب دنیای اسلام ؛ از آسیا تا آفریقا ؛ همه جا همین طور است. خوب، جوان ایرانی به این موقعیتی که دارد، علاوه ی بر مواریثِ فرهنگیِ تاریخی اش و افتخارات تاریخی اش، و علاوه بر استعدادهای موجود کشور - انسانی و طبیعی - چرا دلخوش نباشد؟ چرا او را مأیوس کنیم؟ از این چیزها گاهی مشاهده میشود، که البته برادران و خواهران عزیزی که اینجا تشریف دارید و همچنین بقیه ی اساتید، این را جزو وظایف خودشان بدانند. احیاء و رشد بخشیدن به هویت اسلامی و دینی و ایرانیِ جوانمان، یکی از مهمترین مسائل ماست و کمك فراوانی هم به پیشرفت کشور میکند.

وقت تمام شد. از جلسه ی امروز بنده خیلی خرسندم. از دوستانی که در بهره مندی ما از این مجلس همکاری و کمك کردند، چه شما برادران و خواهرانی که اینجا تشریف آوردید، چه کسانی که صحبت کردند و چه دوستانی که مدیریت جلسه را بر عهده داشتند، من از همه شان صمیمانه سپاسگزارم و امیدوارم که خداوند برکات و رحمت خودش را در این ماه - بالخصوص - و در همه ی ایام سال، ان شاءالله بر شما برادران و خواهران عزیز و محیط علم و دانشگاه کشور نازل کند.

والسّلام علیکم و رحمةالله و برکاته

---

1) پژوهشکده ی رویان در سال 1370 به عنوان مرکز جراحی محدود با هدف درمان، پژوهش و آموزش ناباروری افتتاح گردید و در سال 1377 مجوز مرکز تحقیقات علوم سلولی را از شورای گسترش دانشگاههای علوم پزشکی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی دریافت نمود. این پژوهشکده، فعالیتهای پژوهشی و آموزشی و نیز درمانی خود را در قالب شش گروه پژوهشی جنین شناسی، ناباروری مردان، ناباروری زنان، ژنتیك تولید مثل، اپید میولوژی و بهداشت ناباروری و نیز سلولهای بنیادی (بنیاخته ها) انجام داد.